



تجلی رنگ در ادب عامه

برگرفته از گنجینه فرهنگ مردم

رنگ واژه‌ای آشناست که فهم ما به ازای درونی و بیرونی آن برای خواننده یا شنونده نیازمند تعمق و تفکر نیست.

مخاطب به نشانه‌ای تبدیل شده است و عامل دیگر آن است که رنگ کیفیتی بیرونی دارد و هر مخاطب با هر میزان از دانش قادر به فهم آن است. به عبارتی رنگ واژه‌ای آشناست که فهم ما به ازای درونی و بیرونی آن برای خواننده یا شنونده نیازمند تعمق و تفکر نیست. سیاه و سفید و آبی و سبز برای او از هم قابل تشخیص است و از نظر نشانه‌شناسی هم به تکرار از این و آن شنیده است که سیاه نشانه سوگواری و ماتم، سفید نشانه صلح و دوستی، آبی نشانه عشق و آرامش و سبز نشانه زندگی و حیات و قداست است. این نشانه‌ها گاه نشانه‌هایی جهان‌شمول و فراگیرند به گونه‌ای که می‌توان نمونه‌هایی از آن را در باورها و فرهنگ‌های دیگر ملل مشاهده کرد؛ از جمله رنگ سیاه که در باورهای تمامی مردم جهان نشانه عزا و ماتم است. در این نوشته به

مقدمه

رنگ یکی از مفاهیم اصلی و اساسی در فرهنگ عامه است. هم در ادبیات مکتوب و هم شفاهی نمونه‌های بسیاری را می‌توان شاهد مثال آورد که نشان می‌دهد شاعران و نویسندگان برای انتقال مفاهیم، ارائه تشبیهات نغز و کنایات ملیح و به طور کلی صنایع بدیع و بی‌بدیل ادبی از آن بهره گرفته‌اند. در گونه‌های مختلف شعر (غزل‌ها، قصیده‌ها، دوبیتی‌ها، تک‌بیتی‌ها و ...) ضرب‌المثل‌ها، کنایات ادبی، استعارات و دیگر انواع بیشتر بار معنی به واسطه رنگ به مخاطب انتقال می‌یابد، به گونه‌ای که هیچ واژه‌ای دیگر نمی‌توان استفاده کرد که بتواند همان کارکرد را داشته باشد. یکی از علت‌های این امر آن است که رنگ در باور

۱- این مقاله بر اساس نوشته‌های ارسالی زهرا باروجی از نوشهر، ابراهیم ابونصری از کازرون فارس و رضا وارسته از لاله‌جین همدان به همراه مقدمه‌ای از سید حمیدرضا حسینی نگاشته شده است.

استناد اسنادی از واحد فرهنگ مردم رادیو موضوع رنگ در اشعار، ضرب‌المثل‌ها و نشانه‌ها مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

رنگ در ترانه‌های محلی^۱

شب ابری به این تاری ندیدم

سیه‌بختی به این خواری ندیدم

سیه‌بختم به هنگام جوانی

جوانی هم به این خواری ندیدم

«تار» در مصرع نخست به معنی تاریک و کدر؛

سیه‌بخت صفت و موصوف مغلوب به معنی بخت سیاه،

بخت بد و نامراد.

خودم سبز و دلم سبز و ولم^۲ (velom) سبز

فتادیم هر سه تامون سبز در سبز

فلک یک جامه‌ای ور مو بریده

گریبونش سفید و دومنش سبز

سبز در مصرع اول به معنی سبزه؛ دل سبز تر کیب

کنایی به معنی دل جوان؛ ولم سبز؛ گلم سبز؛ سفید و سبز

در مصرع چهارم به معنی رنگ به کار رفته.

سیه چشم و سیه ابرو سیه خال

فراموشم مکن ای نازنین یار

فراموشم مکن خوبم نگهدار

میون دوس^۳ و دشمن کردم اینکار

سه بار تکرار سیه در مصرع نخست در معنی اصلی

رنگ سیاه به کار رفته. اگرچه سیاه از نگاه نشانه‌شناختی در باورهای عامه بی‌شگون و نامیمون است اما در ادب غنی فارسی زیباترین معشوق‌ها را با نشانه‌هایی چون چشم و ابروی سیاه توصیف می‌کنند چنانکه حافظ گفته است:

به مژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم

بیا کز چشم بیمارت هزاران درد برچینم

به مو گویند که یار تو سیاهه

سیاهیش لکه خورشید و ماهه

سیاهی بر جوان عیبی نباشه

که جوهر سر خط قرآن سیاهه

سیاه در مصرع اول رنگ پوست معشوق است؛

معشوق در مصرع دوم به خورشید و ماه تشبیه شده است

(تشبیه مضمیر) و رنگ سیاه آن، لکه سیاهی است که بر

صورت ماه و خورشید دیده می‌شود.

پربیشون کرده‌ای زلف سیه را

چو ابر نیمه شو پوشیده مه را

ز ناز و غمزه یار پربیشون

ملک در آسمون گم کرده ره را

زلف سیاه و پربیشان معشوق در مصرع نخست به

ابری در مصرع دوم تشبیه شده که صورت ماه معشوق را

پوشانده است.

گل سرخم چرا رنگت شده زرد

مگر باد خزون بر تو گذر کرد

برو باد خزون هرگز نیایی

که رنگ گل‌عدارم کرده‌ای زرد

گل سرخ؛ تشبیه معشوق به گل شاداب؛ رنگ زرد

نشانه بیماری

۱- این ترانه‌ها از مجموعه اشعار ارسالی ابراهیم ابونصری از فارس

انتخاب شده‌اند.

۲- گل

۳- دوست

ضرب‌المثل‌ها^۱

– سیو کلاج خورد / اسبی کلاج دل

(seyu kelâj burde esbi kelâj dele)

برگردان: کلاج سیاه آمده داخل کلاغهای سیاه

(یعنی فردی ناخوانده وارد بازی دیگران شده.)

(vouš âsemun sorxi hâ vešte)

برگردان: آسمان به سرخی گراییده (به هنگام

عصبانیت کسی به کار می‌رود)

– هرکسی سرخ ریش، ت خیش

(har kesi sorxo riše te xiše)

برگردان: هرکسی ریش سرخ دارد فامیل توست؟! (استفهام انکاری است یعنی هرکس به اقوام تو شبیه

است که فامیل تو نیست.)

– رنگ‌ها کرد مرغنه / عید روز خش

(rang hâ kerde merqene eyed ruzi xeše)

برگردان: تخم مرغ رنگ شده برای روز عید خوب

است؛ یعنی هرکاری وقتی دارد (هر سخن جایی و هر

نکته مکانی دارد)

– شو سیو، گو سیو

(šow seyu gow seyu)

برگردان: شب سیاه و گاو سیاه (درباره کسی به کار

می‌رود که از شناسایی خود توسط دیگران ابا دارد.)

دیگر از این دست ضرب‌المثل‌ها:

– مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد.

– زمستان رفت و سیاهی برای کلاج ماند.

– زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد

نشانه‌ها

در لاله‌جین همدان چنانکه رضا وارسته نوشته است،

رنگ قرمز نشانه غضب، کبوتر سفید نشانه خوش‌یمنی و

خبر خوش، لباس سیاه نشانه ماتم، رنگ سبز چشم نشانه

رزق و روزی و دل آگاه، رنگ زرد نشانه بلوغ و نیز

رنگ خزان، کلاه سبز نشانه سادات، لباس سبز نشانه

در لاله‌جین همدان رنگ قرمز نشانه غضب، کبوتر سفید نشانه خوش‌یمنی و خبر خوش، لباس سیاه نشانه ماتم، رنگ سبز چشم نشانه رزق و روزی و دل آگاه، رنگ زرد نشانه بلوغ و نیز رنگ خزان، کلاه سبز نشانه سادات، لباس سبز نشانه آرامش و رنگ آبی نیز نشانه آرامش است.

– اسبی مرغنه سیو کرکش

(esbi morqene seyu kerkeše)

برگردان: تخم مرغ سفید برای مرغ سیاه هم هست.

(هرگاه فرزندی بخواهد پدر و مادرش را از نظر شکل

ظاهری خطاب قرار دهد این مثل را به کار می‌برد.)

– کدخدای شهرستونک / سیو چوقا اسبی پینک

(kadyxodâye šahrestunak / siyu çuqâ esbi

pinak)

برگردان: کدخدا توی شهر کوچک مثل وصله سفید

روی شلوار سیاه است.

– ووش آسمون سرخی‌ها وشت

۱- بر اساس نوشته‌هایی از زهرا باروجی از نوشهر

آرامش و رنگ آبی نیز نشانه آرامش است.
همچنین بر اساس نوشته‌ای از زهرا باروجی در نوشهر
رنگ زرد نشانه بیماری، رنگ سیاه نشانه شوم‌بودن و
سوگواری و رنگ سبز رنگ سادات و مقدس است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- کیجا تر چی ترنگ هشت / تر مار بزو یا نومزد سرشت
(kijâ tere čiye terang hanište / ter mâr bazu yâ numzad
sarešte)

برگردان: دختر تو را چه شده که رنگت زرد شده / مادرت کتکت زده
یا نامزدت تنهایت گذاشته؟